



کلیات سلمان ساوجی اخیراً برای چهارمین بار به تصحیح آقای دکتر عباس وفایی و به سرمایه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت هفتادمین سال تولد این شاعر به چاپ انتقادی رسیده است؛ قبلاً یک بار به همت مشفق و یک بار هم به تصحیح مهرداد اوستا و بار سوم به کوشش ابوالقاسم حالت و احمد کریمی، چاپ انتقادی شده بود، بجز چاپهای سنگی و یا چاپهایی که در خارج از ایران احتمالاً انجام پذیرفته است. البته در این مقاله به کیفیت چاپهای قبلی کاری نداریم.

تا آنجا که مصحح محترم در مقدمه بیان می‌کند این تصحیح بر اساس چهار نسخه خطی و عنایت به نسخه‌های چاپی سابق انجام پذیرفته است و در واقع پایان‌نامه مقطع دکترای مصحح بوده است که زیر نظر آقای دکتر اسماعیل حاکمی انجام گرفته. این دیوان با صحافی نسبتاً خوبی به بازار نه چندان پررونق کتاب عرضه شده است. نگارنده با مروری گذرا بر این کتاب به نکاتی برخورد که نشر آن می‌تواند در هر چه بهتر شدن چاپهای بعدی این دیوان مؤثر واقع شود.

در نگاه اول و به اصطلاح با برانداز کردن کتاب آنچه به عنوان عیب جلوه می‌کند که بر اثر شتابزدگی و عدم دقت کافی در هنگام حروف‌چینی و غلط‌گیری و صفحه‌آرایی عارض این اثر شده است، عبارتند از:

۱- بیت‌ها شماره‌گذاری نشده است، می‌دانیم که یکی از اولین اصول انتشار دیوانهای شعر سنتی، شماره‌گذاری ابیات است تا کار از جاع دادن برای خواننده و محقق آسان باشد که متأسفانه این چاپ از این زیور بی‌بهره است.

۲- انتخاب حروف نامناسب برای چاپ شعرها، تا به حدی که باعث آزار چشم خواننده می‌شود.

۳- رعایت نکردن آیین سجاوندی که منجر به غلط‌خوانی بسیاری از ابیات شده است، خصوصاً که در حروف‌چینی ابیات هم‌گامی رعایت فاصله حروف نشده است؛ مثلاً در بیت‌های ۵/۵<sup>(۱)</sup> و ۱۲/۱۱ و ۲۱/۱۲ و ۱۲/۱۳ و ۱۳/۱۳ و ۹/۱۷ و ۸/۱۹ و ۸/۲۱ و ۷/۲۴ و ۱/۳۹ و ۶/۴۲ و ۱/۶۹ و ۹/۱۶۰ و ۵/۱۶۳ و ۹/۱۶۴ و ۵/۱۷۰ و ۸/۱۷۰ و ۶/۱۷۱ و ۱۵/۱۷۱ و ۱/۱۷۲ و ۹/۱۷۱ و ۵/۱۷۴ و ۴/۲.

۴- مقدمه بسیار سطحی کتاب به حدی که از تحقیق مختصری که مرحوم رشید یاسمی در حدود ربع قرن پیش انجام داده است تجاوز نمی‌کند.

۵- جای خالی فهرست لغات و ترکیبات نادر در انتهای کتاب.

۶- وجود اشتباهات فراوان چاپی؛ که اگر یکی دوبار از سر دقت در هنگام حروف‌چینی، غلط‌گیری و ویرایش می‌شد کار تا این حد خراب نبود.

۷- و سرانجام ناتوانی مصحح محترم در درست خواندن متن‌های نسخ خطی و ضعف در انتخاب صورت صحیح بین چند صورت موجود در نسخه‌های مورد استفاده. نگارنده فقط به چند مورد از خطاهای مورد شش و هفت اشاره می‌کند که از مطالعه چند قصیده حاصل شده است؛ نشان دادن اشتباهات کل کتاب نیاز به استقصای کامل دارد که چنین مجالی در اختیار بنده نیست.

صفحه ۳ در مصراع «هرکه رو بر درگهت بنماد کارش شد چو زر» «بنماد» اشتباه چاپی است به جای آن «بنهاد» درست است.

صفحه ۴ در مصراع «باز دارد آنگه به دست دشمنم سر رشته را» «داد» به جای «دارد» درست است.

صفحه ۴ در مصراع «هست دایمی بی دوا در جان من از عشق تو» «دردی» به جای «دایمی» درست است.

صفحه ۵ در مصراع «غنچه هر برگی که کرد آورد گل بر باد داد» «گرد آورد» به جای «کرد آورد» درست است.

صفحه ۶ در مصراع «آهوی از پستی عدلت می‌رود در کام شیر» حرف «ی» در کلمه «آهوی» زاید است.

صفحه ۷ در مصراع «از گیا هرگز کی آید در جان کارکیا» «جان» خطاست و «جهان» درست است.

صفحه ۷ در مصراع «بلبل دستان سرای، چند باشم بی نوا؟» «سرای» خطاست و «سرایم» درست.

صفحه ۸ در مصراع «تا فشانند برسم کافور باد مشکسا» «سم» خطاست و «شم» درست.

صفحه ۱۱ در مصراع «کز آن رو شاه مرغان شد که خود را کرد گم عنقا» «گم» خطاست و «گم» درست.

صفحه ۱۲ در مصراع «حکیمی نیست حادث خود که درمانی کند درد» «دروا» صحیح است و «دردا» خطا.

صفحه ۱۳ در بیت «شکوفه رنگ شد مویت چو سرو آن به که بُرنایی به رعنائی که بر پیران نزیید کسوت دیبا» ضمه روی «برنایی» زاید است زیرا به معنی «برنایی» است نه به معنی «جوانی».

صفحه ۱۶ در بیت «نظام گوهر پرور طبعم به ثنایت در نظم رساند سخنم را به ثریا» «گهر» درست است و «گوهر» خطا، چون وزن شعر را مختل کرده است.

صفحه ۱۶ در بیت «لبیک زنان بر عرفات سر گویت صد قافله جان منتظر آواز درآرا» کلمه «درآرا» خطاست و «درارا» درست.

صفحه ۱۷ در مصراع «ما طوف‌کنان بارگاه کعبه بنا را» «بارگه» بجای «بارگاه» صحیح است.

صفحه ۱۹ در مصراع «کشندش بر سر بازار و ریزندش آبرو، رسوا» ضمیر «ش» در «ریزندش» زاید است.

صفحه ۲۰ در بیت «آن ماه، رواگر شبی بنماید به ما در وجه او نهیم دل و جان به رو نما» وزن مصراع اول مختل است، احتمالاً مصراع اول چنین بوده است «آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله طبع علوم انسانی  
محمد مهیار

# کلیات سلمان ساوجی

تصحیح و مقدمه: دکتر عباس وفایی  
انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
چاپ اول ۱۳۷۶

**کلیات سلمان ساوجی**

به تصحیح و مقدمه  
دکتر عباس‌غلی وفایی

چاپ اول ۱۳۷۶

ماه، رو اگر بنماید شبی به ما».

صفحه ۲۱ در مصراع «خورشید را که صفت اکسیر کار اوست» «صنعت» بجای «صفت» صحیح است.

صفحه ۲۲ در مصراع «طبع جواد تو محیطی است همه کرم» به این صورت صحیح است: «طبع جواد توست محیطی همه کرم».

صفحه ۲۲ در مصراع «بر خور زرای پیروز بخت جوان که کرد» فاصله بین «پیر» و «او» حرف عطف و «ز» به معنی «از» رعایت نشده در نتیجه درست خواندن مصراع را بر همگان مشکل کرده است، پس درست آن است که مصراع اینگونه نوشته شود «برخور زرای پیر و ز بخت جوان که کرد».

صفحه ۲۴ در بیت «ازین محیط تلّوح ار خروج می طلبی کسی برون نرود جز به کشتی می ناب» «تلّوح» خطاست و «تلّوج» درست است که در نسخه بدل هم آمده است، «تلّوج» جمع مکسر «تلج» به معنی برف است. محیط تلّوج، به معنی دریای برف و اضافه تشبیهی است.

صفحه ۲۵ در مصراع «نجوم کوبه شاه که در جمیع امور» «کوبه» خطاست و «کوکب» درست، کوکب شاهی، اضافه تشبیهی است.

صفحه ۳۰ در مصراع «گرد خیل تتق پرده نشینان سهاست» «سما» به جای «سها» صحیح است.

صفحه ۳۱ در مصراع «گرنهد یک سر موی پای برون از چپ و راست» حرف «ی» در «موی» زاید است و وزن را اشفته می کند.

صفحه ۳۴ در مصراع «سنگها بر سینه کوبان جامها در نیل غرق» کلمه «جامها» به «جامه‌ها» باید تبدیل شود.

صفحه ۳۴ در مصراع «خدمتی لایق نمی آید ز من بهر نثار» «نثار» خطا و «نثار» درست است.

صفحه ۳۸ در مصراع «هزار نقش برآورد زمانه و نبود» «برآورد» خطا و «برآرد» صحیح است، زیرا وزن شعر دچار اشکال شده است.

صفحه ۳۸ در بیت «که بی ارادت و اختیار قرب دو ماه کمینه بنده شاه از رکاب شاه جداست» به جای «اختیار» «بی اختیار» درست است و نیز روی آخرین حرف کلمه «بنده» یای کوچک قرار گیرد.

صفحه ۳۹ در مصراع «شمه حاصل مشکم است ز زلفت و آن نیز» «مشک» به جای «مشکم» صحیح است.

صفحه ۴۲ در بیت «به خاک بر سر و چشم، سیر، به که به پا که هرکجا که بران پا نهند چشم و سر است» مصراع اول آن اشفته وزن و بی معناست و بنده هم نتوانستیم برای آن شکل مقبولی تصور کنیم.

صفحه ۴۸ در مصراع «با عود شکر اگر چه ندارد قرابتی» حرف ربط «اگر» باعث آشفتگی وزن شعر است و به جای آن «آر» که مخفف اگر است باید قرار داد.

صفحه ۴۸ در مصراع «از بحر مدح من به ثنابت درین محیط» کلمه «ثنابت» اشتباه چاپی است و «ثنایت» درست است.

صفحه ۵۵ در بیت «ساقی زمان آذر و دوران بهمن است خون زلال رز زلال به زندان آهن است» کلمه «زلال» دوم، زاید است و باید حذف شود.

صفحه ۵۶ در بیت «تا کرده ابر آب دهان را ز دل سپند افتاد راز چ او همه بر کوی و برزن است» حرف «چ» متصل، اشتباه چاپی است، اما در بیت چند خطای دیگر هم وجود دارد، کلمه «سپند» خطاست و «سپید» درست است چون صحبت از برف و زمستان است و مصراع دوم بدین گونه بوده است: «افتاده راز او همه بر کوی و برزن است».

صفحه ۶۶ در مصراع «با یادت از در آتش سوزنده باشد کسی» که در این صورت وزن آن اشکال دارد، «باشد» خطاست و «شد» درست.

صفحه ۶۶ در بیت «فکر و هوای بشریت کجا و کی در بارگاه وصف هوایت جمال یافت» مصراع اول آن اشکال وزنی دارد.

صفحه ۶۷ در مصراع «رستم حشمت فشرده پای و بیایان گرفت» «فشرده» خطاست و «فشرد» درست.

صفحه ۶۹ در مصراع «باریک تر از مو کمرت را دقیقه‌ای» «از» خطا و «ز» درست است.

صفحه ۶۹ در مصراع «سرگشته زلف همگی بر کران نهاد» از نظر وزن اشکال دارد و درست آن چنین می شود «سرگشته زلف تو همگی بر کران نهاد».

صفحه ۷۱ در مصراع «قدرت مکن و پایه خود چون قیاس کرد» «مکن» خطا و «مکان» صحیح است.

صفحه ۱۳۷ در بیت مطلع «زنجیر بند زلفت زد حلقه بر در دل خیل خیال ماهت در دیده ساخت منزل» در چاپ مشفق بجای «ماهت» «خالت» آمده که مقبول تر به نظر می رسد.

صفحه ۱۶۰ بیت «به حسنی نازک آمد که زد چون باد با او دم عذار ناز پروردش، به دم آلود گشت از دم» به این شکل، هم از نظر وزن و هم از نظر معنی اشکال دارد. با توجه به نسخه بدل و دو بار حذفی که در بیت اتفاق افتاده شکل صحیح آن اینگونه است «به حدی نازک آمد گل که زد چون باد با او دم

عذار ناز پروردش، به دم آلوده گشت از دم» البته «به دم» چون قید است و به معنی بد سرعت، مطابق بعضی آرا باید سرهم نوشته شود.

صفحه ۱۶۳ در بیت «زهی همچون صدف رایم شرف را صدر تو مولد! زهی چون مملکت را دین خرد آرای تو توأم» دو خطا وجود دارد، اول بین «را» و «یم» به معنی دریا باید فاصله لازم به وجود بیاید تا باعث اشکال در خواندن و فهم بیت نشود؛ و دیگر در مصراع دوم «آرای» خطاست و «با رای» درست است.

صفحه ۱۶۳، در آخرین بیت، در مصراع «تو از قلب سپاه آن روز در میدان رزم آرای» کلمه «آرای» خطا است و «آیی» درست.

صفحه ۱۶۴ در مصراع «گهی چون فرقدان تیغ دو پیکر سازد از فرقی» که «فرقی» خطاست و «فرقد» صحیح.

صفحه ۱۶۴ در مصراع «دماغ حاسد فاسد به حال صحت کلی» که ظاهراً «فاسد حاسد» درست تر از شکل ضبط شده است.

صفحه ۱۶۴، در مصراع «نوا از مطربی بشنو که اوراد دلاویزش» بجای «اوراد» «آواز» درست است که در نسخه بدل‌ها هم آمده است.

صفحه ۱۶۴، در مصراع «زهی نهال قدرت سرو جویبار روان!» «قدرت» اشتباه چاپی است و «قدت»

## کلیات سلمان ساوجی

به تصحیح و مقدمه  
دکتر عباسعلی وفائی



موسسه انتشارات و چاپ

# پارسی سرایان بام ایران

کتاب حاضر شامل آثار و زندگی‌نامهٔ ۵۸۳ تن از شعرای چهارم‌حال و بختیاری است. این استان که مردمانش در شجاعت، تیراندازی، سوارکاری، مرزداری، وطن‌پرستی، دیانت و امانتداری مشهور و معروف بوده و هستند، از لحاظ شعر و ادبیات نیز دارای فرهنگی غنی و پربرابر می‌باشد اما به علت کم‌توجهی و عدم انتشار و یا به علت از بین رفتن بعضی مکتوبات و دواوین آنها از بنیان‌گزاران شعر و ادب خطه چهارم‌حال و بختیاری نام و نشان آنچنانی وجود ندارد و آنچه از آثار و هویت شعرای این محل بجای مانده مربوط به دوران صفوی و پس از آنست.

در دوران قاجاریه شعرای فراوانی در چهارم‌حال و بختیاری ظهور نموده که از حمایت مادی و معنوی ایلخانان و حاکمان محلی برخوردار و بعضاً به دربار نیز راه یافته و اشعاری سروده‌اند، در این دوران تقریباً در هر قصبه و روستای چهارم‌حال و بختیاری شاعر یا شاعرانی به منصفهٔ ظهور رسیده‌اند و اشعاری در قالب غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، دو بیتی، رباعی و غیره سروده و یا به شیوه و زبان محلی روستا و زادگاه خود اشعاری بجا گذاشته‌اند، شعرای بختیاری به هر دو زبان فارسی و لری بختیاری اشعاری نغز و شیوا سروده‌اند که فصاحت، زیبایی و لطافت زبان و روح ایللی در اشعارشان متبلور است و تعدادی از آنها هم صاحب دیوان بوده و از معروفیت خاصی برخوردارند.

شعرایی که در این مجموعه معرفی شده‌اند همه در یک سطح نبوده و میزان توانایی و قدرتشان در شعرسرایی بر یک پایه و رتبت نیست و تعداد اندکی از این شاعران شهرت ملی دارند. یکی از مشهورترین شاعران این خطه عمان سامانی است که سخنوری بوده کامل و عارفی عاقل که آثار او عبارتند از: گنجینهٔ الاسرار، مخزن‌الدرر، معراج‌نامه، دیوان غزلیات و قصاید. چند بیتی از گنجینهٔ الاسرار سامانی را در اینجا می‌آوریم:

کیست این پنهان مرا در جان و تن

کز زبان من همی گوید سخن

این که گوید از لب من راز کیست

بنگرید این صاحب آواز کیست

در من اینسان خودنمایی می‌کند

ادعای آشنایی می‌کند

کیست این گویا و شنوا در تنم

باورم یارب نیاید کاین منم

متصل تر با همه دوری بمن

از نگه با چشم و از لب با سخن

خوش پریشان با منش گفتارهاست

در پریشان‌گویش اسرارهاست

درست است.

صفحه ۱۶۶، در دو بیت:

«به درس آدم تدریس علم‌الاسماء

به علم احمد و تعلیم علم القرآن

به پنج نوبت احمد درین سپنج سرای

به چار بالش عیسی برین بلند مکان

در مصراع اول «درس آدم و تدریس...» و در مصراع

چهارم «بر آن بلند مکان» درست است.

صفحه ۱۶۸، در بیت «مدار دور فلک باد در تصرف

تو چنانکه گردش و در تصرف چوگان» مصراع دوم

«گردش گو» درست است.

صفحه ۱۶۸، یکی از قصاید زیبای سلمان با مطلع

«نسیم صبح سلام به دلستان برسان» که به پیروی از

کمال‌الدین اسماعیل و ظهیر فاریابی سروده، آمده

است، متأسفانه اغلب ابیات این قصیده ضبط نادرست

دارد که در ذیل به برخی از آن موارد اشاره می‌کنیم:

در بیت «به هم‌رهیت روان را روانه خواهیم کرد

روانه کرد بجائان روان روان برسان» مصراع دومش باید

چنین ضبط شود «روانه کرد به جائان روان، روان

برسان»

در بیت «هزار قصه رسیدست زمن به گوش به گوش

وگر مجال نباشد یکی از آن برسان»

در مصراع اولش «به گوش، بکوش» درست است.

در بیت

«نسیمی از سرزلفش بیار و جان بستان

به پایمرد بگویم به رایگان برسان»

ضبط صحیح مصراع دومش اینگونه است «به

پایمزد، نگویم به رایگان برسان».

همان قصیده صفحه ۱۷۰، بیت «به چرخ گو که

قضیب سمند سلطان را ز دخل سنبله بر دوش کهکشان

برسان» در مصراع اولش «قضیب» خطاست و «قضیم»

به معنی علف و چو ستور، درست است.

صفحه ۱۷۱ همان قصیده، در بیت

«به گرم عدل تو گفت از پی خوش آمد میش

بدوش پر، بره را بر شبان برسان» شکل درست

مصراع دوم آن چنین است «به دوش بر بره را تا بر شبان

برسان» باز همان صفحه و همان قصیده، در مصراع:

«صبا برای خدا هیچ اگر مجالی اقتد» که «مجال»

خطاست و «مجال» درست است.

باز همان صفحه و همان قصیده در مصراع «دعای

من به جناب یکان یکان برسان» که «جناب» خطاست

و «جنابش» درست.

صفحه ۱۷۱ در قصیده‌ای که تحت تأثیر

کمال‌الدین اسماعیل سروده است و در وصف زورق

است، می‌گوید

«معدۀ او بگذارند سنگ خارا ز سنگ

لیک آب خوشگوارش بر مزاج آید گران»

که ضبط مصراع اول خطاست و درست آن چنین

است «معدۀ بگذارند سنگ خارا را سبک».

صفحه ۱۷۳، در بیت:

«شیر گردون بیشه گر بر مرغزارت بگذرد

از صفای شیر حوضت شیر آرد در دهان»

که درست مصراع دوم چنین است: «از صفای شیر

حوضت آبش آید در دهان» که اتفاقاً نسخه بدل هم

همین ضبط را تأیید می‌کند.

در صفحه ۱۷۷، در بیت:

«با محیط دست در پایش جواد او چرا

ابرش ابر آبخور سازد ز دریای عدن؟»

که درست مصراع اول چنین است «با محیط دست و

دریای جواد او چرا»

در صفحه ۱۸۹، در بیت:

«آسمان با سینۀ پر آتش و پشتی دوتاه

شد به های‌های گریان بر سر بیرامشاه»

که در مصراع دوم، «های‌های» درست است.

در همان صفحه، در بیت:

«در میان خاک پنهان چون تواند دیدنش

آنکه نتوانست دیدن کرد مشکین گرد ماه؟»

که ضبط صحیح مصراع دوم چنین است «آنکه

نتوانست دیدن گرد مشکین گرد ماه» و باز هم در همان

صفحه در مصراع «بر سرش روحانیان فریاد و زاری

می‌کشند» «فریاد و زاری می‌کنند» درست است.

در صفحه ۴۰۱، بیت:

«باز چون امروز دریایم که فردا بامداد

هر که خواهد جست خواهد یافت در زندان مرا»

ضبط صحیح مصراع اول چنین است: «باز چو امروز

و دریایم که فردا بامداد».